

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

موضوع بحث: سیره امام صادق(ع) در تکریم حافظان دین (1390/6/30)

این ایام مصادف با شهادت رئیس مذهب؛ امام صادق(علیه السلام) است. وجود مبارکی که تمام این حوزه‌های علمی و این علمی که امروز شیعه به این علوم افتخار و مباهات می‌کند، به برکت حیات پر بار امام صادق(ع) است. شما ببینید ما از این وجود شریف چقدر روایت داریم. چه اصحاب و اشخاص و بزرگانی به عنوان راوی از این حجت خدا روایاتی را در همهی مسائل فقهی و ابعاد فقهی برای ما مطرح کرده‌اند.

نکته‌ای را که می‌خواهم در این چند دقیقه اشاره کنم دو مطلب است؛ يك مطلب این است که سیره‌ی امام صادق(ع) در مسئله‌ی «تکریم حافظان دین» باید مورد توجه قرار گیرد. ببینیم کسانی که به عقیده‌ی امام صادق(ع) حافظان دین بودند، چه اعتباری نزد آن حضرت داشتند.

این برای ما طلبه‌ها که مدعی این هستیم که در مسیری قرار گرفته‌ایم که می‌خواهیم جزء حافظان و حاملان دین باشیم بسیار مهم است. برای ما ارزش کار ما و اهمیت کار ما روشن‌تر می‌شود و برای دیگران هم مسئولیت‌آور است. وقتی انسان می‌بیند که حافظان دین نزد امام صادق(ع) این مقدار اعتبار و اهمیت دارند، آن وقت دیگر کسی نباید توهم کند که روحانیت، مراجع، و علماء هم يك افراد معمولی هستند و ارزش و اعتبارشان از نظر دینی مانند سایر گروه‌هاست. خیر اینطور نیست. بنده چند روایت را نقل می‌کنم.

فضل بن عبدالمکمل می‌گوید «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا أَرْبَعَةٌ بُرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيُّ وَ زُرَّارَةُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ الْأَحْوَلُ وَ هُمْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ» [1]؛ چهار تن نزد من محبوب‌ترین خلائق‌اند، چه زنده باشند و چه مرده، برید عجلّی، زراره بن أعین، محمد بن مسلم و أحول(محمد بن النعمان البجلي مؤمن الطاق)، آری! ایشان در حیات و ممات محبوب‌ترین مردم در نزد من می‌باشند.

در روایت جمیل بن دراج می‌فرماید: «بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ بِالْجَنَّةِ بُرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيُّ وَ أَبُو بَصِيرٍ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ الْمُرَادِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةُ أَرْبَعَةٌ نَجَبَاءُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَوْ لَا هَؤُلَاءِ انْقَطَعَتْ آثَارُ النَّبُوَّةِ وَ انْدَرَسَتْ» [2]؛ نجبای اربعه را حضرت نام می‌برد و می‌گوید اگر این چهار نفر نبودند آثار نبوت از بین می‌رفت و مندرس می‌شد. البته در اینجا برید و محمد بن مسلم و زراره و أبابصیر(لیث بن البختري المرادي) هم هست.

در روایتی داود به صرحان از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي (ع) كَانُوا زَيْنًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا، أَعْنِي زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ وَ مِنْهُمْ لَيْثُ الْمُرَادِيُّ وَ بُرِيدُ الْعَجَلِيُّ، هَؤُلَاءِ الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ هَؤُلَاءِ الْقَوَالُونَ بِالصِّدْقِ هَؤُلَاءِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» [3]؛ که امام صادق(ع) فرمود: اصحاب پدرم امام باقر(ع)، زینت برای دین و مردم هستند زنده باشند یا مرده. این

تأکید اشاره بر این است که اهمیت این افراد منحصر به زمان حیاتشان نیست، اینها وقتی از دنیا می‌روند باز اهمیت و ارزش‌شان باقی است.

بعد حضرت این چهار نفر را نام می‌برد: زراره، محمد بن مسلم، ابو بصیر و برید، سپس می‌فرماید اینها قیام کنندگان به قسطاند، یعنی اشاره دارد به قائمین به قسطی که در قرآن کریم آمده، قوال به صدق‌اند. «هُؤُلَاءِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» اینها السابِقون السابِقون هستند.

اینکه حالا يك كسي در زمان پیامبر(ص) بوده ولي درست بر مشی پیامبر(ص) عمل نکرده، بگوئیم این چون در زمان پیامبر بوده، خودش عنوان «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» دارد این چنین نیست! بلکه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» آنهایی هستند که در حفظ دین و بیان دین و تقویت دین بر دیگران سبقت می‌گیرند. مراد سبقت زمانی نیست که بگوئیم يك شخصي چون زماناً مقدم بر دیگری بوده، از جهت زمان فقط اعتبار پیدا می‌کند.

باز روایت دیگری که مقداری مفصل‌تر است؛ جمیل بن دراج می‌گوید: «قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَاسْتَقْبَلَنِي رَجُلٌ خَارِجٌ مِنْ عِنْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لِي لَقِيتَ الرَّجُلَ الْخَارِجَ مِنْ عِنْدِي فَقُلْتُ بَلَى هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ لَا قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَلَا قَدَسَ مِثْلُهُ، إِنَّهُ ذَكَرَ أَقْوَاماً كَانَ أَبِي (ع) اتَّيَمَّنَهُمْ عَلَى حَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ وَكَانُوا عَيْبَةً عَلَيْهِ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّي أَصْحَابُ أَبِي (ع) حَقًّا إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ سُوءاً صَرَفَ بِهِمْ عَنْهُمْ السُّوءَ، هُمْ نُجُومُ شِيعَتِي أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ يُحْيُونَ ذِكْرَ أَبِي (ع) بِهِمْ يَكْشِفُ اللَّهُ كُلَّ بَدْعَةٍ يَنْفُونَ عَنْ هَذَا الدِّينِ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأَوَّلَ الْغَالِينَ ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ مَنْ هُمْ فَقَالَ مَنْ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ، بُرَيْدُ الْعَجَلِيِّ وَزُرَّارَةُ وَأَبُو بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ...» [4]

يك روزي بر امام صادق(ع) وارد شدم يك مردی داشت از خدمت حضرت خارج می‌شد. حضرت به من فرمودند آن كسي که داشت از نزد من می‌رفت را دیدی؟ عرض کردم بله، این از دوستان ماست و اهل کوفه است. امام(ع) فرمودند خدا روح او را تزکیه نکند! (حالا این جمله یا نفرین است یا این که مثلاً این دعایی که معمولاً می‌کنیم قدس الله نفسه، حضرت می‌گوید این دعا شامل این شخص نشود که يك درجه از نفرین پائین‌تر است! یا عنوان نفرین را دارد که بعید نیست همین باشد. یا اینکه بگوئیم اگر حضرت در مقام نفرین به این شخص نبودند يك درجه پائین‌تر از آن است، یعنی این دعا که باید شامل اولیاء خدا بشود، شامل چنین آدمی نشود).

بعد حضرت علت اینکه به این شخص نفرین می‌کند را بیان می‌کند و می‌فرماید علتش این است که این شخص پیش من شروع کرد به بدگویی از کسانی که مورد اطمینان و امین پدر من بودند و پدر من به آنها اعتماد داشت. افرادی را در پیش من بدگویی کرد که اینها امین پدر من بودند بر حلال و حرام خدا، اینها مخزن علم پدر من بودند، امروز هم اسرار من به ودیعه در پیش اینها گذاشته شده است، تمام اسرار دین را من به اینها منتقل کرده‌ام. اینها آدم‌هایی هستند که اگر خدای تبارک و تعالی بخواهد نسبت به هم‌ه‌ی اهل ارض عذابی را نازل کند، به برکت وجود همین سه چهار نفر عذاب را از اینها برمی‌دارد. اینها ستارگان شیعه‌ی من هستند، زنده باشند یا مرده، اینها ذکر پدرم و اجدادم را زنده نگه می‌دارند. به وسیله‌ی اینها هر بدعتی روشن می‌شود که برای مردم بیان می‌شود که این امر بدعت است. کاشفین بدعتها اینها هستند. اینها از دین آنهایی که جزء مبطلین هستند و خودشان را به این دین نسبت دادند و خودشان را بدون هیچ ملاکی منتسب به دین ما کردند و واقعاً تدین به این دین ندارند، اینها آنها را نفی می‌کنند.

قبل از اینکه ادامه روایت را بخوانیم؛ همین که اگر واقعاً در يك زمانی زراره و محمد بن مسلم و برید و ابوبصیر چنین خصوصياتي که داشتند که امام صادق(ع) بیان می‌کند و به خاطر اینکه آن شخص از اینها بدگویی کرده، امام آن شخص را

نفرین می‌کند. در زمان ما چه کسانی حافظان دین هستند؟ در زمان ما چه نهادی و چه مراکزی متصدی برای حفظ دین هستند؟ روحانیت، حوزه‌های علمیه، بزرگان و مراجع دین، حافظان دین هستند.

و این «**لَا قَدَسَ اللَّهُ مِثْلَهُ وَلَا قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ**»، نفرینی است که آن زمان امام صادق(ع) کرده، شامل کسانی که در زمان ما بی‌اعتنای به مراجعند و بلکه سعی می‌کنند که آنچه که اینها بیان می‌کنند تخطئه کنند هم می‌شود. مگر امروز اُمَنای بر حلال و حرام خدا چه کسانی هستند؟ مراجع ما نسبت به مسئله‌ی حجاب این همه فریاد می‌زنند و هشدار می‌دهند، اظهار نگرانی می‌کنند، اما می‌بینیم که از طرف دیگر مخالفت‌ها، برخوردها و تعبیرها، مجلات و چیزهایی که درست در نقطه‌ی مقابل این مسئله وجود دارد، منتشر می‌شود.

در ادامه روایت می‌فرماید «**ثُمَّ بَكَى**». خیلی عجیب است، امام صادق(ع) از اینکه يك نفر از زرارۀ و محمد بن مسلم و بُرید بدگویی کرده، اینطور ناراحت می‌شود و موضع‌گیری می‌کند و بعد هم گریه می‌کند که چرا باید اینطور شود؟

سپس امام(ع) در ادامه فرمود: اینها چه زنده باشند و چه بمیرند، صلوات و رحمت خدا بر ایشان هست.

این باید ما را متوجه اهمّیت کارمان کند. این بحث‌ها، این درسهای عظیمی که حالا در حوزه‌های علمیه وجود دارد، همه برای این است که ما می‌خواهیم حلال و حرام را بشناسیم. هیچ افتخاری بالاتر از این نیست که وجود انسان به عنوان امین بر حلال و حرام خدا قرار گیرد، حافظ حلال و حرام خدا قرار گیرد. در جایی که دید يك چیزی حلال است، بگوید حلال است و اگر دید حرام است مقابله کند. خوف نداشته باشد.

اساساً از خصوصیات اُمَنای بر حلال و حرام همین است که خوف نداشته باشد. اگر کسی به خاطر ترسی که دارد، به خاطر موقعیتی که دارد می‌بیند اگر يك حرامی را بگوید حرام است با او مقابله می‌کنند و موقعیت را از او می‌گیرند، این دیگر امین نیست! اُمَنای خدا در حلال و حرام یعنی آنجایی که واقعاً چیزی حلال است می‌گوید حلال و در جایی که حرام است، می‌گوید حرام و از هیچ کس وحشت ندارد.

در يك نقلی دارد که يك روز منصور دوانیقی به امام صادق(ع) نامه‌ای نوشت و عرض کرد «**لَمْ لَا تَغْشَانَا كَمَا يَغْشَانَا سَائِرُ النَّاسِ فَأَجَابَهُ لَيْسَ لَنَا مَا نَخَافُكَ مِنْ أَجْلِهِ وَلَا عِنْدَكَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ مَا نَرْجُوكَ لَهُ وَلَا أَنْتَ فِي نِعْمَةٍ فَتُهَنِّبُكَ وَلَا تَرَاهَا نِقْمَةً فَتُعْزِيكَ فَمَا نَصْنَعُ عِنْدَكَ...**»[5]؛ چرا همانطوری که سایر مردم دور ما را گرفته‌اند و از حواشی ما هستند، کنار ما می‌آیند و پیش ما می‌آیند، شما پیش ما نمی‌آیید؟ (این معلوم می‌شود که مربوط به همان اوایل بوده، چون اواخر که به دست خود منصور حضرت به شهادت رسید.)

حضرت در جواب خیلی تعبیر جالبی دارند، فرمود: ما چیزی که به خاطر آن از تو بترسیم نداریم. یعنی ما ترسی نداریم، تا به خاطر اینکه بترسیم بیائیم اطراف شما تا محفوظ بمانیم. از نظر امر آخرت هم تو چیز مهمی نداری که ما به امید آن نزد تو بیائیم، که اگر پیش تو بیاییم عندالله ثواب داشته باشد و تقرب به خدا پیدا کنیم و برای امر آخرتمان مفید باشد. چنین چیزی هم نیست! و اینطور هم نیست که تو در يك نعمتی باشی که ما برای تبریک به تو نزد تو آییم، نعمت‌های عمومی را همه دارند. حالا البته اموال مردم را می‌گرفته و به غیر حق مصرف می‌کرده که برایش نعمت بوده است. و به مصیبتی هم مبتلا نشده‌ای که برای تسلیت نزد تو آییم.

ببینید چطور امام(ع) این را جواب می‌دهد. این از خصوصیات آنهایی است که محو در خدای تبارک و تعالی هستند. اینها ملاحظه نمی‌کنند اینجا که می‌خواهیم برویم نفع دنیوی برای ما دارد یا نه؟ ملاحظه می‌کنند می‌بینند اینجا آیا «**يَذْكُرْهُمْ الْآخِرَةُ**»

هست یا نیست. این برای ما باید ملاک باشد. ارتباطاتمان با افراد، ترویج‌مان از افراد، اینها همه باید بر اساس این ملاک باشد. اگر می‌خواهیم با کسی ارتباط برقرار کنیم می‌بینیم از جهت علمی واقعاً معلوماتی دارد تا از او استفاده کنیم یا نه؟ از نظر تقوایی به دنبال این باید باشیم.

یکی از مواردی که در حوزه‌های قبل بوده و متأسفانه الآن نه تنها اصلش یک مقدار فراموش شده، بلکه یک جایگزین بسیار بدی هم پیدا کرده؛ در حوزه‌های قبل دنبال این بودند که کسی را بیابند که عمرش را در تهذیب گذرانده، عمری را برای خدا درس گفته، برای خدا زحمت کشیده و کار کرده، او را پیدا کنند و از نفس او ارتزاق معنوی کنند. اینکه الآن یک مقداری نیست. ما طلبه‌ها الآن در حوزه چند نفرمان رفتیم سراغ اینکه یک کسی که مهذب باشد و عمری را در تهذیب گذرانده باشد به ما معرفی کنید. از آن طرف می‌آئیم دنبال یکسری کرامات جعلی، خواب‌های خیالی، بافتنی‌های بی‌اساس می‌رویم.

حال آنکه باید دنبال این باشیم که ارتباطی که می‌خواهیم با افراد پیدا کنیم، این ارتباط بر چه محوری است؟ با یک مسئولی می‌خواهیم ارتباط پیدا کنیم، آیا برای خدا می‌خواهیم ارتباط داشته باشیم؟ برای تقویت انقلاب می‌خواهیم ارتباط داشته باشیم یا نه؟ مقاصد دنیوی داریم. می‌خواهیم چند روز دیگر به یک پست‌ها و مقاماتی برسیم، خدایی نکرده دنبال این مسائل هستیم!

این سیره‌ی عملی امام صادق(ع) نسبت به حافظان دین است و نسبت به آنهایی که به درد دین نمی‌خورند مثل منصور دوانیقی. ببینید امام صادق(ع) با ایشان چطور برخورد می‌کند، چه جواب محکمی به او می‌دهد. این یک مطلب بود.

مطلب دوم یک وصیت جامع است که امام صادق(ع) به فرزندشان امام کاظم(ع) دارد، که حضرت می‌فرمایند «یا بُنَّیَّ احْفَظْ وَصِیَّتِی وَاحْفَظْ مَقَالَتِی، فَإِنَّكَ إِنْ حَفِظْتَهَا تَعِشَ سَعِیداً وَتَمُتَ حَمِیداً، یا بُنَّیَّ إِنَّهُ مَنْ قَنَعَ بِمَا قُسِمَ لَهُ اسْتَغْنَى، وَمَنْ مَدَّ عَیْنَهُ إِلَى مَا فِی یَدِ غَیْرِهِ مَاتَ فَقِیْراً، وَمَنْ لَمْ یَرْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ عَزَّوَجَلَّ اتَّهَمَ اللَّهُ تَعَالَى فِی قَضَائِهِ، وَمَنْ اسْتَصَغَرَ زَلَّةَ نَفْسِهِ اسْتَغْطَمَ زَلَّةَ غَیْرِهِ، وَمَنْ اسْتَغْطَمَ زَلَّةَ نَفْسِهِ اسْتَصَغَرَ زَلَّةَ غَیْرِهِ، یا بُنَّیَّ مَنْ كَشَفَ حِجَابَ غَیْرِهِ انْكَشَفَتْ عَوْرَاتُ نَفْسِهِ، وَمَنْ سَلَ سَیْفَ الْبَغِی قُتِلَ بِهِ، وَمَنْ حَفَرَ بِهِ لِأَخِیهِ بِنْراً سَقَطَ فِیْهَا، وَمَنْ دَاخَلَ السُّفْهَاءَ حُقِرَ، وَمَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وُقِرَ، وَمَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السَّوِّ اتُّهِمَ»؛ اگر به این وصیت عمل کنی با سعادت زندگی خواهی کرد و با احترام از دنیا خواهی رفت.[6]

بسیار ضوابط خوب اخلاقی و تربیتی در این روایت ذکر شده که حتماً آقایان مراجعه بفرمایند.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

[1] وسایل الشیعة(قم، آل البيت، 1409 ق) ج27، ص143

[2] همان، ج27، ص142.

[3] رجال الکشی(انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 ش)، ص238.

[4] همان، ص137.

[5] مستدرک الوسائل، (قم، آل البيت، 1408 ق)، ج12، ص307.

[6] بحارالانوار، (بیروت، مؤسسة الوفا، 1404 ق)، ج75، ص201.